

هژمونی عوام



احمد غلامی

به دشواری می‌توان غزالی را فیلسوف سیاسی نامید، با اینکه او در دوره آشنوبناک سیاسی و اعتقادی روزگارش را سپری می‌کرد، دوره‌ای که هرکس مدعی و داعی مرام و مسلک و اندیشه‌ای بود، از یک سو ایران در سیطره حکومت سلجوقیان بود اما دستگاه بوروکراتیک آن در دست نخبگان ایرانی همچون خواجه نظام‌الملک بود و از سوی دیگر خلفای عباسی بر مردم و سلجوقیان نفوذ سیاسی و اعتقادی داشتند. در دوره غزالی، سیاست و اعتقاد در هم آمیخته بود و بارزترین نمونه این آمیختگی در فرقه اسماعیلیه تجلی پیدا می‌کرد؛ گروهی اعتقادی-نظامی که با ایدئولوژی‌ای خاص و شبکه جاسوسی قدرتمند قادر بودند در هر کجا و هر زمان دست به خشونت و ترور بزنند. یکی از داعی‌های اسماعیلیون سال‌های سال در کنار خواجه نظام‌الملک می‌زیست و یکی از شاگردان نزدیک و مورد اعتمادش بود. اسماعیلیون فرقه‌ای رادیکال بودند که با منش و روش خود برای آزادی ایران مبارزه می‌کردند. چیزی به نام مردم به‌منابها مردم وجود نداشت که در هژمونی آنان چهره‌هایی همچون خواجه نظام‌الملک و غزالی نفسی راحت بکشند. تاریخ خون‌بار ایران حیرت‌انگیز است و به جرئت می‌توان گفت کمتر دوره‌ای بوده که مردم در این دیار با آرامش سرب‌بر بالین بگذارند. در این هنگامه، یعنی در زمانه درهم‌آمیزی سیاست و اعتقاد و ترور و خشونت بود که غزالی می‌اندیشید و درباره چگونه اندیشیدن می‌نوشت. وقتی از فخر ایران سخن می‌گویم، نباید بررسی دلخواهی از تاریخ آن را به وسعت تاریخ هزاران ساله آن تعمیم بدهیم. تاریخ ایران مدتی طولانی به دست سلسله‌هایی جنایتکار همچون سلجوقیان و مغول‌ها دست به دست شده است. وقتی از تاریخ ایران حرف می‌زنیم، ظهور و سقوط صفویه و قاجار را نباید نادیده بگیریم. این ایران است. این ما هستیم. اگر از فخر ایران سخن می‌گویم، این فخر به ندرت وام‌دار حاکمان است. خدمت وظیفه حاکمان است و مبالغه درباره حاکمان (خادمان) خیانت به عالمان است. عالمانی که در زمینه‌ه و زمانه جنون و جنایت، بار تمدن و فرهنگ ایران‌زمین را بر دوش کشیده‌اند. رها کنیم رداي شاهان بی‌سواد را. غزالی این چنین از مرز جنون و جنایت گذشت. فخر ایران، غزالی، ابن‌سینا، شهرورد و ملاصدرا است. در زمانه‌ای پلشت، فیلسوف بودن کار سهل و ساده‌ای نیست. در میان جباران، به علم اندیشیدن کار سترگی است. ایران اگر ایران است، از برکت وجود این فیلسوفان است. این دولت‌ها نیستند که در سیطره ایدئولوژی‌ها قرار دارند. مردم نیز می‌توانند در هژمونی ایدئولوژی برساخته از مسلک و مرام خود دست به اعمالی بزنند. تاریخ پر از خشونت است و هر بدعتی در خشونت، خشونتی دیگر می‌آفریند. غزالی در شرایطی که سیاست و اعتقاد، راسخ و تزلزل‌ناپذیر بود، اندیشید و این مهم‌ترین ویژگی کار سیاسی او است. از همین‌رو مخاطبان خود را به دو دسته تقسیم می‌کنند: «عوام و خواص». او معتقد است «عوام شامل اینان می‌شوند: ادیان، نجوین، محدثان، مفسران، متخصصان فقه و متکلمان. در واقع همه عالمان به‌جز کسانی که خود را کاملاً وقف تعلیم نحوه شنا در اقباس‌های علم کرده‌اند، زندگی خود را به‌طور کامل به این امر اختصاص داده‌اند، روی خود را از این دنیا و امیال آن برگردانده‌اند، هیچ اتفاقی به مال، موفقیت، مردم و دیگر دل‌ایذی ندارند. در موفقیّت، مردم و دیگر دل‌ایذی نداشته‌اند. علم و عمل کاملاً برای خداوند خالص شده‌اند. کسانی که عامل جمیع حدود و آداب شرعی در برپاداشتن طاعات و ترک منکرات‌اند و دل‌های خود را فقط برای خدا از غیر خدا به‌طور کامل پیراسته‌اند، دنیا و حتی آخرت و فردوس برین را در برابر عشق به خداوند حقیر شمرده‌اند. اینان غواصان دژ دریای معرفت‌اند». در زمانه‌ای چنین پراشتوب با بحران وسیع بی‌سوادی، چه چیزی غزالی را واداشته عوام و خواص را این چنین دسته‌بندی و نام‌گذاری کند. آنچه معلوم است او قصد تحقیر این جماعت را نداشته است. اگر بخواهیم تفاوت عوام و خواص را از نگاه غزالی و بر مبنای تفاوت‌گذاری او به دوره و زمانه خودمان تعمیم بدهیم، چه اتفاقی رخ خواهد داد. بی‌شک در غیاب خواص یا تهی‌شدن جامعه از خواص (متفکران و اندیشمندان)، عوام بر جای آنان نمی‌نشینند. تاکنون می‌پنداشتیم عوام مترادف مردم است، اما غزالی به ما آموخت گستره و سیطره عوام بیش از آن چیزی است که تاکنون می‌اندیشیدیم.

۱. از کتاب «غزالی فیلسوف، نظریه معرفت الهامی و بنیاد سینوی آن در اندیشه اسلامی»، الکساندر ترنبرگر، ترجمه سمانه فیضی و احمد ایزدی، نشر ققنوس

شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴
۲۵ شعبان ۱۴۴۷
۱۴ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۲۶
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

وضعیت انسان، وضعیت هنرمند • خروج آمریکا از پایگاه استراتژیک «التنف» • تشکیک در آزادسازی قیمت‌ها / سیدجواد جمالی • از ویروس کرونا تا حوادث دی‌ماه / حمیدرضا آقابائیان

شرق

«شرق» از سرانجام پرونده ایران در گروه ویژه اقدام مالی و ۴ محدودیت تازه برای کشور گزارش می‌دهد

دور جدید تقابل FATF علیه ایران

گزارش تیت‌ریک را در صفحه ۶ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۴ بخوانیدعکس: مجاهدی/ایرانباب

رهبرانقلاب در پیامی خطاب به ملت ایران؛

روز ۲۲ بهمن امسال کار بزرگی انجام دادید؛ ایران را سربلند کردید

مراسم ۲۲ بهمن با حضور مردم و مسئولان در سراسر کشور برگزار شد

یادداشت

قانونی‌که نام حمایت دارد و کارکرد قدرت

درباره طرحی که به‌جای تنظیم‌گری، انحصار می‌آورد

سعیددلفانی

سرپرست پیشین داسرای فرهنگ و رسانه وقاضی دیوان عدالت اداری

را تعریف می‌کند و هم مجازات را اعمال. اما یکی از نقاط حساس و کمتر دیده‌شده طرح، ترکیب هیئت‌های بدوی و عالی رسیدگی به تخلفات است. در ظاهر، قانون‌گذار کوشیده است ترکیبی متنوع از افراد «گاه و بسابقه» را در این هیئت‌ها بگنجانند؛ اما در عمل، ساختار انتصابات نشان می‌دهد استقلال این هیئت‌ها بیش از آنکه تضمین شده باشد، تضعیف شده است. در هیئت بدوی، هفت عضو با حکم «بالاترین مقام سازمان یا وزارت حسب مورد» منصوب می‌شوند؛ یعنی همان نهادی که خود تنظیم‌گر و ذی‌نفع است، اختیار تعیین رئیس، دبیر و چهار کارشناس اصلی را دارد. تنها یک عضو از سوی مجامع صنفی معرفی می‌شود و آن‌هم در اقلیت مطلق است. در هیئت عالی نیز اگرچه نهادهایی مانند شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دادستانی کل و کمیسیون فرهنگی مجلس نقش دارند، اما ریاست هیئت همچنان در اختیار «بالاترین مقام دستگاه موضوع قانون» است؛ یعنی همان تنظیم‌گر. این ساختار، از منظر حقوق عمومی، دو ایراد بنیادین دارد: نخست، «عدم استقلال مرجع رسیدگی» زیرا نهادی که خود شکای و تنظیم‌گر است، عملاً اختیار تعیین اکثریت اعضای مرجع رسیدگی را نیز دارد. دوم، «عدم توازن نهادی»؛ زیرا حضور یک عضو صنفی یا یک عضو حقوقی نمی‌تواند در برابر وزن نهادی تنظیم‌گر و نهادهای همسو، استقلال واقعی ایجاد کند. چنین ترکیبی نه‌تنها در تعارض با اصول دادرسی عادلانه قرار دارد، بلکه با اصل «بی‌طرفی ساختاری» که یکی از ارکان حقوق عمومی است نیز ناسازگار است. این همان وضعیتی است که لون فولر از آن به‌عنوان «فرپاشی شکل قانونی قانون» یاد می‌کند؛ جایی که ظاهر قانون حفظ می‌شود، اما روح عدالت در ساختار آن غایب است.

با این همه، مسئله اصلی هنوز در سطح تکنیک قانون‌نویسی باقی نمانده است؛ مسئله، فلسفه قانون‌گذاری پشت این طرح است. پرسش بنیادین این است که چه ضرورتی برای تصویب چنین طرحی وجود دارد؟ اگر دغدغه، سامان‌دهی حوزه صوت و تصویر فراگیر است، چرا قانون‌گذار به‌جای طراحی یک نهاد مستقل، چندذی‌نفعی و بی‌طرف، تنظیم‌گری را به سازمانی می‌سپارد که خود رقیب مستقیم فعالان این حوزه است؟ اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌عنوان متولی قانونی سیاست‌گذاری فرهنگی، از نظر قانون‌گذار کفایت نمی‌کند، چرا کام بعدی، حرکت به سمت یک رگولاتور مستقل نیست، بلکه سپردن تنظیم‌گری به صداوسیماست؟

پاسخ این پرسش‌ها هرچه باشد، در چارچوب دغدغه‌های صرفاً فنی و حقوقی نمی‌گنجد؛ اینجا پای سیاست به معنای عریان آن در میان است. این همان نقطه‌ای است که رونالد دورکین از آن به‌عنوان «لحظه‌ای که قانون از مسیر اصول منحرف و به ابزار سیاست بدل می‌شود» یاد می‌کند. درواقع این طرح بیش از آنکه پاسخی به یک «مسئله حقوقی» باشد، پاسخی است به یک «مسئله قدرت». مسئله این است که صداوسیما، در میدان رقابت رسانه‌ای، جایگاه خود را از دست داده است و اکنون می‌کوشد با ابزار قانون، قواعد بازی را به‌گونه‌ای بازنویسی کند که خود هم داور باشد، هم ناظر، هم مجوزدهنده و هم مجازات‌کننده. اینجا قانون به‌جای آنکه سپر شهروند و فعال رسانه‌ای در برابر قدرت باشد، به نردبان قدرت برای صعود یک نهاد تبدیل می‌شود. این شیوه قانون‌گذاری نه‌تنها با روح حقوق عمومی در تعارض است، بلکه اعتماد عمومی به خود «نهاده قانون» را نیز فرسوده می‌کند؛ زیرا شهروند می‌بیند که قانون نه برای تنظیم منصفانه میدان، بلکه برای سنگین‌کردن کف ترازو به نفع یک بازیگر خاص

محمدباقر حکیم در گفت‌وگو با «شرق» از سناریوهای آینده در بغداد می‌گوید

عراق در آستانه

تصمیم بزرگ

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از هم‌زمانی سفر تئابانو به آمریکا و حضور لاریجانی در عمان و قطر با محوریت آینده مذاکرات تهران-واشنگتن

دوسفر، دوهدف

بایک موضوع

قرار بازداشت اعضای جبهه اصلاحات به قرار وثیقه تغییر کرد

آزادی آذر منصوری

جواد امام و ابراهیم اصغرزاده

بررسی وضعیت کسب‌وکارهای آنلاین به دنبال قطعی و اختلال اینترنت در آستانه نوروز

فروش شب عید

پشت دیوار اختلال

گزارش میدانی «شرق» از کافه‌های تعطیل‌شده در دی‌ماه و گفت‌وگو با کارکنان و اهالی محل

برخوردهای مجازی پلمب‌های واقعی

نگاه

چرانوجوانان

به‌خیابان آمدند؟

بادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

یادداشت

این که دیگر مشکوک نیست



مهرداداحمدی‌شیخانی

تا حالا اصطلاح «حرص درآوردن» را شنیده‌اید؟ می‌دانم که سؤال بیجایی پرسیدم، چون حرص‌درآوردن یکی از رفتارهایی است که از فرط تکرار، چه از طرف خودمان درباره دیگری یا دیگران با از سوی دیگران در برابر خودمان، بخشی از آداب فرهنگی ماست و بسیار پرکاربرد. به نوعی انگار بخشی از بازی‌های روانی ما برای لذت‌بردن است، اینکه مدام به یاد دیگری بیاوریم یا دیگری به یاد ما بیاورد که فلان کار را با تو کردیم و تو هم هیچ کاری در جواب آن نمی‌توانی بکنی. البته بسیار در نکوهش این نوع رفتار سخن گفته شده و اینکه چنین عملی، از آنجا که باعث تحقیر دیگری است، سبب‌ساز بروز و تعمیق کینه است و این کینه، روزی خود را نشان خواهد داد. البته قدمد دادن پیامی اخلاقی نیست که می‌دانم هرکسی که چنین می‌کند، نه کمتر از من، بلکه حداقل به اندازه خود من می‌تواند در نکوهش اخلاقی این رفتار سخن براند، ولی با وجود آگاهی از نادرستی رفتار، انجام آن که در بیان عامیانه نامش را «حرص‌درآوردن و لجبازی» گذاشته‌اند، حتی راه افراط در پیش گرفته می‌شود. اما چرا چنین است؟ به گمانم به یک دلیل ساده که انجام آن یعنی ما برتر از تو هستیم و نه‌تنها از تو برتریم، بلکه در مقابل برتری ما، تو ناتوان مطلق و جز تمکین، کار دیگری نمی‌توانی بکنی. اما آیا واقعا آنکه حرصش را درمی‌آوریم، ناتوان از انجام هر کاری است؟

۴۳۳
ادامه‌در صفحه ۱۱

انا لله وانا اليه راجعون

جناب حجت الاسلام والمسلمین سید سراج الدین موسوی

باتاسف واثاردر گذشت برادر بزرگوارتان معلم پیشکسوت و اخلاق مدار، مرحوم سید مجتبی موسوی

راتسلیت عرض نموده از درگاه خداوند رحمان، غفران و رضوان برای آن مرحوم

وصبر و سلامتی برای بازماندگان معزز مسئلت می نماییم.

سید مرتضی مبلغ، محمد مهدی صدقی، محمد هاشم مهبهینی، سید محمود حسینی، سید ابوالفضل رضوی

مهدی رحمانیان، احمد علی فردوسی، علی مزروعی، عباس رضایی، جعفر رحمان زاده، سید مظفر شجاعی، محمد

زائری، محمدتقی شریعتی، حسن جعفری، جعفر ربانی، علیرضا فیروز مصطفی نصر، عباس نصر، سعید صدوقی، ناصر زرگر